

عنوان اقدام‌پژوهی:

چگونه می‌توانم مشکل دانش‌آموزان کلاس چهارم را در درس انشاء رفع کنم؟

مجری: مژده سجادی

شهرستان: دهگلان

دوره‌ی تحصیلی: ابتدایی

مقدمه:

انشا یکی از موضوعات ادبیات نیست، خود ادبیات است؛ نه مولود ادبیات که پدر ادبیات، نه شاخه‌ای فرعی در شجره نامه‌ی زبان و ادب که تنه‌ی اصلی و بلکه ریشه‌ی این درخت پر شاخ و برگ است.

انشا و نگارش چشمه است، چشمه‌ای که سر از شکاف سنگی بر می‌آورد و از دامنه‌ی کوهی روانه می‌شود. حیات کوهستان به همین چشمه است. درختی که می‌بالد، گلی که می‌شکوفد، پرنده‌ای که بال می‌گشاید، گله‌ای که می‌چرد، چوپانی که می‌خواند و دهکده‌ای که بر دامنه‌ی کوهی لمیده است، همه در تابعیت این چشمه و رودند. اینان خود نیستند اگر این چشمه نباشد. انشا در کوهستان پر رمز و راز وجود آدمی چون چشمه‌ای است.

زبان و ادبیات ابزاری هستند که دو کاربرد دارند یکی فهمیدن یکی فهماندن. وظیفه‌ی زبان فهماندن و فهمیدن مافی الضمیر آدمی است. اگر کسی بتواند آنچه در درون دارد بیان و به دیگران انتقال دهد و آنچه دیگران بیان کرده اند؛ بفهمد و درک کند در حقیقت به هدف

اصلی زبان و ادب دست یافته است. اهمیت انشا و نگارش در همین جا به خوبی روشن می‌شود.

انشا نه یک تفنن، که یک نیاز و نه یک نیاز جنبی که یک نیاز حیاتی است، نیازی حیاتی برای کشوری که مردم آن می‌خواهند کاروان‌های علم و تمدن را روانه‌ی صحرای بشریت کنند.

دل شعبده‌ها گرفت از فکرت جان معجزه‌ها نمود در انشا

اهداف آموزش انشا:

الف) دانش‌آموزان بتوانند آن چه را که می‌اندیشند و می‌خوانند به دیگران بگویند یا بنویسند یا این که اندیشه و احساسات و عقاید خود را درباره‌ی موضوع‌های گوناگون به دیگران منعکس نمایند.

ب) تقویت قوه تخیل، استدلال، تفکر و دقت دانش‌آموزان.

ج) آموزش شیوه‌های نگارش و تدوین آثار نوشتاری.

د) شناخت دانش‌آموزان و دستیابی به استعدادها و علایق آنها.

۱- عنوان یا موضوع پژوهش:

چگونه می‌توانم مشکل دانش‌آموزان کلاس چهارم را در درس انشا رفع کنم؟

۲- توصیف وضعیت موجود و بیان مساله:

دبستان رضوان در پایین شهرستان دهگلان مدرسه‌ای تازه ساخت است که فضای آموزشی آن نسبتاً مطلوب است این منطقه از شهر در کل نسبت به مناطق دیگر محروم‌تر است. اما با وجود این دانش‌آموزان کلاس چهارم که ۲۱ نفر هستند در تمام دروس در حد متوسط و خوب قرار دارند به جز درس انشا. دانش‌آموزان به زنگ انشا هیچ گونه رغبت و تمایلی نداشتند. من هم طبق روش معمول یک موضوع به دانش‌آموزان می‌دادم که ابتدا راجع به آن

با هم صحبت می‌کردیم و بعد دانش‌آموزان شروع به نوشتن می‌کردند و انشاهای آنها چندان رضایت بخش نبود انشاهای آنها بسیار کوتاه با جملات غیر مرتبط به موضوع انشا بود و مطالب آن اصلاً پیوستگی نداشت البته این بی‌رغبتی تنها از جانب دانش‌آموزان نبود من هم در دوران تحصیل یکی از دروسی که از آن متنفر بودم انشا بود و همیشه پایین‌ترین نمره‌ام در این درس بود. حالا نیز در کلاس تنها ساعتی که احساس می‌کردم که نتوانسته‌ام مفید باشم و چیزی بیاموزم درس انشا بود. بنابراین بر آن شدم تا با تحقیق و پژوهش راه‌های آسان نوشتن را به دست آورم تا دانش‌آموزان از این درس گریزان نباشند یا آن را درسی بی‌هوده ندانند و یا فکر نکنند که این درس برای آزار آنان می‌باشد. در واقع همه با درس انشا آشتی کنند.

۳- گردآوری اطلاعات (شواهد):

اولین اقدامی که انجام دادم این بود که در جلسه‌ی شورای معلمان این مشکل را مطرح کردم هر کدام از معلمان هم طبق تجربه‌ی خود و وجود این مشکل در کلاسشان نظرات خود را ارائه دادند که برخی از این نظرات برای حل این مشکل می‌توانست مفید باشد. از دانش‌آموزان هم سؤالاتی در این رابطه پرسیدم که با این وضعیت سال گذشته چگونه انشا نوشته‌اند؟ دانش‌آموزان در پاسخ گفتند که انشا را همیشه در خانه و با کمک بزرگترها نوشته‌اند.

زمانی که از مدیر مدرسه سوال نمودم مشخص شد که همیشه نمرات مستمر و پایانی دانش‌آموزان در درس انشا تفاوت بسیاری دارد و نمره پایانی همیشه کم‌تر از نمره‌ی مستمر می‌باشد و دلیل آن هم این است که بچه‌ها انشاهای خود را در خانه و با کمک بزرگترها نوشته‌اند اما در امتحان پایانی انشا توسط خود آنها نوشته شده است.

با این اوصاف متوجه شدم که دانش‌آموزان سال پیش نیز در درس انشا غیر فعال بوده‌اند. بنابراین شروع به گشتن میان کتابخانه‌ها و پیدا کردن و مطالعه‌ی کتاب‌ها و پایان‌نامه و مجلاتی در این خصوص نمودم. تا این مرحله به این نتیجه رسیدم که عمده‌ترین مشکلات و

موانع داشتن آموزان برای نوشتن می‌تواند این موارد باشد:

- ۱- عدم اهمیت درس انشا برای دانش آموزان
- ۲- عدم مطالعه‌ی غیر درسی کافی
- ۳- ضعف در شناختن جامعه و محیط پیرامون
- ۴- ضعف در سازماندهی افکار
- ۵- ضعف در تبدیل افکار به زبان مکتوب
- ۶- دو زبانه بودن

۴- تجزیه و تحلیل اطلاعات:

اطلاعات به دست آمده را به این صورت برای خودم جمع بندی و طبقه بندی کردم:

۱- یکی از موانع و مشکلات دانش آموزان برای نوشتن انشا این است که این درس برای آنها اهمیتی ندارد و ضمن مصاحبه با دانش آموزان، آنها به این نکته اشاره کردند که چه انشای آنها خوب باشد یا بد، در هر صورت قبول می‌شوند و در این درس تجدید نمی‌شوند. و به همین دلیل به منزلت و اهمیت انشا بی توجه هستند.

۲- اگر دانش آموزان در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب مشکل دارند، به دلایل زیر می‌تواند باشد:

(الف) واژگان ناکافی (گنجینه‌ی لغات دانش آموزان کافی نیست).

(ب) خطاهای دستوری که می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- آشنا نبودن با ساختار و ترکیب جمله (جای فعل و فاعل و مفعول و اسم و صفت و... را

نمی‌داند)

- آشنا نبودن با زمان‌های فعل (مضارع، ماضی، آینده و انواع هر کدام)

- عدم آشنایی با کلمات متضاد و مترادف و هم خانواده

و....

(ج) خطاهای ویرایشی

۳- اگر دانش‌آموزان در شناختن جامعه و محیط پیرامون مشکل دارند و ضعیف هستند و مطالعه‌ی غیردرسی کافی ندارند، شاید به دلیل عدم وجود امکانات مناسب مانند گردش علمی خوب و یا یک فیلم مناسب و حتی یک کتاب خوب و سفید باشد.

۴- اگر دانش‌آموزان در سازماندهی افکار خود مشکل دارند شاید به این دلیل است که با آئین نگارش آشنایی ندارند و اجزای یک نوشته‌ی خوب را نمی‌شناسند. نمی‌دانند که باید از کجا شروع به نوشتن کنند و یا چه چیزی را باید در نوشته‌شان بیاورند که فهم و نوشتن آن لازم است. به جز موارد بالا امکان دارد که این عوامل هم هر کدام در زمینه‌ی نوشتن دانش‌آموزان مشکل ایجاد کنند که عبارتند از: دو زبانه بودن، ضعف املائی، عدم انگیزه‌ی کافی برای نوشتن و....

۵- انتخاب راه جدید به صورت موقت:

جهت حل مشکلات عنوان شده در قسمت قبل راه‌های زیادی وجود دارد از جمله:

۱- گردش علمی

۲- نمایش فیلم (جهت شناختن جامعه و جهان پیرامون)

۳- مطالعه‌ی کتاب‌ها و نشریات مخصوص کودکان (برای بالا بردن گنجینه‌ی لغات‌شان)

۴- گماردن مدرسان و معلمان کارآمد و علاقمند برای درس انشا

و....

باید از میان تمام این راه‌ها راهی را انتخاب می‌کردم که هم ضعف دانش‌آموزان را در درس انشا رفع می‌کرد و هم قابل اجرا و در دسترس می‌بود و هم باید راه حل انتخابی به گونه‌ای بود که دانش‌آموزان برای اجرای آن رغبت و علاقه داشته باشند و در حین کار فعال و خلاق باشند. پس مساله مهم این بود که دانش‌آموزان در مواردی که مشکل دارند مشکل‌شان رفع گردد و این کار هم با تمرینات گوناگون و متعدد امکان پذیر بود. در دروس روان‌شناسی دوره کارشناسی خوانده بودم که از طریق بازی می‌توان حتی سخت‌ترین مطالب را به بچه‌ها آموزش داد. بنابراین تصمیم گرفتم که آموزش همراه با بازی باشد. این آموزش

را در ابتدا در زنگ‌های ورزش مخصوصا در زمستان که هوا سرد بود و بچه‌ها در کلاس می‌ماندند انجام می‌دادیم تا دانش‌آموزان فکر کنند که واقعا مشغول بازی و تفریح هستند و بعد کم کم در زنگ انشا هم این آموزش‌ها ادامه پیدا کرد.

۶- اجرای طرح جدید و نظارت بر آن:

یک بازی شبیه مار و پله تهیه کردم طرح اولیه را روی یک کاغذ نشریه‌ی بزرگ کشیدم و آن را هنگام بازی به تخته‌ی کلاس نصب می‌کردم دانش‌آموزان را به دو گروه تقسیم کردم و برای هر کدام یک طاس تهیه کردم. کارت‌هایی نیز تهیه کردم که روی آن سوال‌هایی نوشتم. در پایین سوال‌ها جایزه و جریمه تعیین شده بود اگر دانش‌آموز درست جواب می‌داد به جایزه می‌رسید و اگر اشتباه جواب می‌داد جریمه می‌شد. در حین بازی اگر دانش‌آموز به علامت سوال می‌رسید یکی از کارت‌های سوال را بر می‌داشت و جواب می‌داد. به این ترتیب تمام دانش‌آموزان هر گروه یک بار طاس می‌انداختند تا عاقبت گروهی که زودتر به خانه مرکزی (مقصد) می‌رسید برنده بودند و تشویق می‌شدند و کارت تشویق می‌گرفتند. روی کارت‌ها نمونه‌هایی از سوالات زیر نوشته می‌شد که جهت تمرین دانش‌آموزان بود.

انواع تمرینات جمله سازی:

۱- جمله سازی شفاهی

الف) تمرین پرسش و پاسخ با استفاده از تصاویر

ب) دوباره سازی = جمله‌ای را که خود خوانده‌اند یا ما برای آنان خوانده‌ایم به زبان خود بازگو نمایند.

ج) جمله سازی شفاهی با کلمات داده شده.

۲- تشخیص صحت جمله: مثال خروس پرواز کرد.

۳- تغییرات کلمات جمله: تضاد: امروز هوا خیلی سرد بود.

گرم

زمان آینده: امروز به مشهد می‌روم.

فردا

منفی: من سیب دوست دارم.

ندارم

پرسش: شهر خود را دوست دارم.

داری؟

۴- جور کردن گروه کلمات: دادن دو گروه کلمات به دانش‌آموزان که بین آنها ارتباط معنی برقرار نمایند.

(الف) من و دوستم قشنگ است.

(ب) شهر شیراز به مسافرت می‌رویم.

۵- پر کردن جاهای خالی جمله: مثال: حسن سه سیب می‌گذارد. (از، زیرا، روی)

۶- منظم‌سازی جملات در هم ریخته.

۷- گسترش جمله‌ها: اضافه کردن جمله یا کلمه‌ای دیگر به جمله. مثال معلم درس می‌دهد و شاگرد.....

۸- کوتاه‌سازی؛ مثال: حسن و برادرش به خانه آمدند (آنان)

۹- جمله‌سازی به کمک تصویر

۱۰- تمرینات افزایشی: چند کلمه به دانش‌آموزان داده که آنها را به جمله بیفزایند. مثال

من سیب می‌خورم. (قرمز)

۱۱- ترکیب جمله‌های ساده: آن مرد برادر حسن است. آن مرد کشاورز است.

آن مرد کشاورز، برادر حسن است.

آموزش کلمه‌سازی:

۱- نقش حروف در ساختن کلمات:

الف) اسم و شهرت که با حرف خاصی شروع یا پایان می‌یابد.

ب) وارونه سازی کلمات؛ سرد: درس کاخ: خاک

۲- تمرینات ویژه ساخت صرفی کلمه:

الف) مفرد و جمع: کتاب ⇌ کتاب‌ها

ب) پیشوندها و پسوندها: درد ⇌ دردناک کار ⇌ کارخانه تهران ⇌ تهرانی

ج) نشانه‌های منفی ساز: می‌روم ⇌ نمی‌روم هوش ⇌ بی‌هوش مرد ⇌ نامرد

د) هم خانوادگی: درس - مدرسه - مدرس - تدریس

ه) ضمائر: کتاب من = کتابم

و) ساخت قیدی: فوری = فوراً زود = به زودی

ز) حالت اضافه (مضاف و مضاف الیه): دندان من - پای من

۳- روابط معنایی کلمات:

الف) تضاد معنایی بزرگ = کوچک

ب) مترادف معنایی: پند = نصیحت آغوش = بغل

ج) حوزه معنایی: پدر = پسر روباه = خروس موش = گربه

۴- دادن کلمات به زبان کردی که بچه‌ها فارسی آن را بگویند و بالعکس

بیشکه: گهواره مال: خانه

بعد از انجام بازی‌های زیاد و تمرینات متعدد در زمانی که مطمئن شدم دانش‌آموزان آمادگی لازم را برای نوشتن پیدا کردند شروع به دادن موضوعات متفاوت به آنها کردم که همگی ثبت وقایع روزانه و خاطره‌نویسی بود.

- امروز تا حالا که در کلاس هستید هر کاری که انجام داده‌اید بنویسید.

- دیروز مادرتان در خانه چه کارهایی انجام داد را بنویسید و...

بعد از این موارد شروع به نوشتن انشای توصیفی کردیم. به بچه‌ها گفتم خوب و به دقت به کلاس نگاه کنند و خوب گوش کنند و هر چیزی را که دیدند یا شنیدند بنویسند. برای توصیف خوب دیدن و خوب شنیدن و ترکیب حواس لازم است. سعی کردم این جنبه را در

دانش‌آموزان تقویت کنم و همیشه تاکید می‌کردم که بچه‌ها با دقت به اطراف نگاه کنند و به صداهای پیرامونشان خوب گوش کنند و از حواس دیگرشان هم به خوبی استفاده کنند که توصیف را ابتدا از چیزها و فضاهاى کوچک شروع کردیم مانند:

کلاس، خودکار، کتاب فارسی، آشپزخانه، خانه ما، حیاط مدرسه‌ی ما و.....

بعد از توصیف فضاهاى بزرگ تر را شروع کردیم مثل: مدرسه ما، محله ما، از خانه تا مدرسه، بازار و....

بعد از توصیف مکان‌ها و اشیاء به توصیف آدم‌ها پرداختیم (شکل ظاهری و حالات آنها مثل شادی، غم، عصبانیت، ترس و.....) به بچه‌ها گفتم که خوب و با دقت به من نگاه کنید و هر چه را می‌بینند بنویسند. در جلسه‌ی بعد گفتم که در خانه به آینه نگاه کنید و شکل ظاهری خود را توصیف کنند. در جلسات دیگر از انسان‌های مختلف برای توصیف استفاده کردیم.

بعد از این توصیف‌ها به بچه‌ها گفتم که همیشه چیزهایی را که می‌خواهیم در مورد آن بنویسیم جلوی چشم ما نیستند. باید در مورد آنها خوب فکر کنیم بعد هر چه را که در مورد آنها به ذهنمان آمد روی کاغذ بنویسیم مثلاً در مورد یک حیوان (اسب) یک پرنده (جغد) و موضوعات مختلف دیگر مانند بزرگترین آرزو، شغل آینده، دوست داری وقتی بزرگ شدى چه وسیله‌ای بسازی و..... که تمام این موضوعات را یکی یکی به دانش‌آموزان دادم که در مورد آن بنویسند در جلسات دیگر هم داستان نیمه تمام را ادامه دادند و می‌نوشتند.

۷- گردآوری اطلاعات (شواهد ۲):

زمانی که انشاهای دانش‌آموزان را با انشاهای اول سال آنها مقایسه کردم دیدم که دانش‌آموزان در نوشتن انشا در حد قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرده اند و مساله مهم این بود که دانش‌آموزان دیگر نسبت به درس انشا بی رغبتی نشان نمی‌دادند و این تاثیر می‌توانست برای سال‌های آینده هم در ذهن آنها باقی بماند. حالا دیگر خود من هم علاقه‌ای زیادی به زنگ انشا داشتم چون می‌دانستم که باید چه مطالبی را به دانش‌آموزان ارائه دهم. نتیجه‌ی کار

را در جلسه‌ی شورای معلمان به اطلاع همکاران رساندم و آنها هم تمایل خود را به استفاده از این روش البته به گونه‌های دیگر اعلام کردند. مدیر مدرسه هم از تاثیر کار بسیار راضی بودند.

۸- ارزشیابی تاثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار آن:

دانش‌آموزان کلاس چهارم اکنون دیگر در زنگ انشا فعال و با نشاط بودند و در نوشتن پیشرفت کرده بودند همان سال این طرح را با عنوان «گامی به سوی اسان نوشتن» به نظام پیشنهادات ارائه نمودم و مورد تایید سازمان هم قرار گرفت. همکاران هم در مدرسه بسیار علاقمند به استفاده از این روش بودند. چون در این روش بازی دانش‌آموزان همراه با هدف بود این موفقیت حاصل شد.

۹- تصمیم نهایی و نتیجه‌گیری:

ساحل افتاده گفت گر چه بسی زیستم هیچ نه معلوم گشت آه که من کیستم
موج خروشنده‌ای تیز خرامید و گفت هستم اگر می‌روم گر نروم نیستم
مشکل و عدم علاقه دانش‌آموزان به درس انشا من را بر آن داشت که در این خصوص
راه حلی پیدا کنم که از میان تمام راه‌حلهایی که به ذهنم رسید، بازی را انتخاب کردم چون
به وسیله‌ی بازی می‌توان به عمق وجود بچه‌ها نفوذ کرد و همه می‌دانیم که اضطراب و تنفس
نیست بلکه هیجان و شور و نشاط است که زمینه‌ی یادگیری را فراهم می‌کند. این روش
بسیار موفقیت آمیز بود و مشکل دانش‌آموزان در درس انشا رفع گردید. معلم باید احساس
مسئولیت داشته باشد و تا معلم برای رفع مشکل اقدام نکند همچنان باقی خواهد بود و حتی دو
چندان خواهد شد.

پیشنهادهای:

- ۱- تدریس انشا توسط دبیران متخصص انجام گیرد.
- ۲- تغییر نگرش معلمان و دانش‌آموزان نسبت به درس انشا.
- ۳- اختصاص یک ساعت از ساعات هفتگی به کتابخوانی جهت تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و بالا بردن سطح اطلاعات آنها.
- ۴- همراهی معلم با دانش‌آموزان خود در نوشتن در زنگ انشا.
- ۵- برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان.
- ۶- برگزاری مسابقات مقاله نویسی برای دانش‌آموزان.
- ۷- برگزاری گردشهای علمی برای دانش‌آموزان.
- ۸- توزیع مجلات و نشریات و کتاب مخصوص کودکان در بین آنها.
- ۹- انشا همیشه به صورت مکتوب نباشد بلکه به صورت شفاهی هم می‌تواند باشد.
- ۱۰- در پایان خواندن کتاب و ره یافت‌های آموزشی و تربیتی در درس انشا را به هم‌ه‌ی همکاران توصیه می‌نمایم